

تفرقه قومی...

پرستی؟

عقیده

سکوت گناه کبیره است

«لیلیان تورام»

عضو تیم ملی فوتبال فرانسه، قهرمان جام جهانی ۱۹۹۸

مردم کشیده شده است.

اگر بخواهیم به از میان رفتن نژادپرستی، اندک امید داشته باشیم باید به جفا حاضرها ممانعت داشته باشیم. بعضی ملت‌ها باید پذیرند که گذشته کارهای نادرستی مرتکب شده‌اند به خصوص در زمینه ی بردهداری که به اعتقاد من یکی از عوامل اصلی نژادپرستی است. حقایق باید نوشته شوند؛ البته نه به قصد انتقام گیری و گشاده‌کشی؛ بلکه به عنوان راهی برای فراموش کردن در مسیر اشتی واقعی. هنوز ما موفقیت راهی طولانی داریم.

در سال ۱۹۹۶ هنگامی که به آنتالیا رسیدم هیچ نشانه‌ای از نژادپرستی یا بیگانه‌هراسی ندیدم. اما اندکی بعد وضع یکباره خراب شد. چرا باید دیگران را طرد کرد؟ چرا این همه خشنونت؟ این پرسش‌ها هنوز می‌پایخ مانده است. در یک مسابقه فوتبال در «باشگاه آچاریا» (باشگاهی که آن موقع عضو آن بودم) تجربه‌ای تلخ را از سر گذراندم. تعدادی از تماشاچی‌ها شروع کردند به خواندن شعرهایی درباره‌ی من، بازیکن سیاه‌پوست: «بازو روی فرخ‌ت موز می‌خورم». در پایان بازی درباره‌ی این موضوع با دیگر اعضای باشگاه صحبت کردم. متوجه می‌تفاوتی آنها شدم و این برام پذیرفتنی نبود. سکوت بدترین موضعی است که می‌توان در قبال این موضوع اتخاذ کرد. مبارزه علیه نژادپرستی، مبارزه علیه سکوت هم هست.

من به‌طور منظم با دانش‌آموزان مدارس آنتالیا ملاقات می‌کردم و می‌فهمیدم آنها را نسبت به

نخستین بار در فرانسه بود که مجبور شدم بر ضد نژادپرستی موضع بگیرم. ۹ ساله بودم. در مدرسه ما روی سیاه‌پوستان اسم می‌گذاشتند. آیا این نژادپرستی بود؟ از آنجایی که این کار را بچه‌ها می‌کردند، می‌شد آن را کاری بچه‌گانه و احتمالاً شرم‌آور اما جریحه‌دار کرد. من لعل «گودالوب» بودم. در آنجا جوامع متعددی در کنار هم زندگی می‌کردند و من هرگز در آنجا احساس تبعیض نکرده بودم.

نژادپرستی پدیده‌ای طبیعی نیست. موضوعی کاملاً اندیشه‌د و دست‌کار بزرگسالانی است که بر مبنای رنگ پوست و فرهنگ تفاوت‌هایی بین افراد قائل می‌شوند. برای محو کامل نژادپرستی، مدارس می‌توانند نقش بزرگی ایفا کنند. هنوز هم در مدارس مطالبی درباره‌ی «نژادهای بشر» به کودکان می‌آموزند؛ حال آن‌که در واقع بشر تنها یک نژاد دارد. درست‌تر این است که از جوامع گوناگون سخن گفته شود.

تاریخ آدیس‌آبا بسیار بد آموزش داده می‌شود؛ هر کشور برای توجیه رفتار گذشته خود تاریخ را آنطور که می‌خواهد بیان می‌کند. من همیشه در حیرت بودم که چرا در کتاب‌های تاریخ فقط بعد از دوران بردهداری است که از سیاه‌پوستان سخن به میان می‌آید. از زندگی آنها قبل از این دوره‌ی غم‌انگیز تاریخی هرگز چیزی گفته نمی‌شود؛ انگار که آنها همیشه برده بوده‌اند. گذشته و فرهنگ واقعی آنان همواره به هیچ گرفته شده و یک خلأ تاریخی پدید آورده و برده‌های روی صفحه‌ی این

اهمیت درهم آمیزی جوامع مختلف که عاملی مهم برای رشد و غنای فرهنگی است آگاه کنم. تردید ندارم که این نوجوانان از آن رفتارهای نژادپرستانه که از آژانده در استادیوم‌های فوتبال انجام می‌شود، حمایت نخواهند کرد.

سخن گفتن از این‌که چه کارهای مثبتی می‌توان انجام داد کافی نیست. ما باید با رفتارهای منفی برخورد کنیم و اثر آن برای شناسایی رفتارهای غلط استفاده کنیم. باید به محض آن‌که شر دیده می‌شود با آن مقابله کرد، تا شرایط‌ها به یک معضل غیرقابل تحمل تبدیل نشود. مثلاً فوتبال یک نیروی اجتماعی قوی است. باید در جهت از میان بردن تمام اشکال نژادپرستی در استادیوم‌ها مبارزه کنیم و اجازه ندهیم مردم از این ورزش به عنوان وسیله‌ای برای بیان دیدگاه‌های غلط خود استفاده کنند.

واقعاً متأسفم که نژادپرستی هنوز زنده و فعال است. صدها سال است که نژادپرستی وجود دارد و ما مردم می‌گوییم در جهانی بسیار عالی زندگی می‌کنیم که در آن مردم می‌توانند به کمک فناوری‌های جدید روزبه‌روز صمیمی‌تر شوند. اما واقعیت بسیار گرنده است؛ ما از اجتماع‌های پیشرفت زیادی نکرده‌ایم. حتی متفاوت بودن از همسایه‌ی خود، محترم شمرده نمی‌شود. از نظر من جهانی شدن به معنای احترام به دیگران و احترام به تفاوت‌های فردی است زیرا هر یک از ما حامل تاریخی متفاوت است.